



## بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و کارکنان قوهی قضائیه به مناسبت ایام سالروز شهادت شهید بهشتی و هفته قوه قضائیه ( ۱ ) - ۵ / تیر / ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین سیما بقیة الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، اعضای فعال یک دستگاه بسیار مهم که دستگاه قضائی است! هفته‌ی مربوط به دستگاه قضائی را به شما تبریک عرض میکنیم و یاد شهید بهشتی را گرامی میداریم. انصافاً این شهید بزرگوار یک نعمتی بود؛ هم برای انقلاب، هم بالخصوص برای نیروی قضائی جمهوری اسلامی؛ مرد صاحب فکر، صاحب اراده‌ی قوی، منضبط، اهل کار، پُرنشاط. نعمت بزرگی بود؛ یاد ایشان را گرامی میداریم. خداوند درجاتش را عالی کند ان شاء الله. از بقیة‌ی رؤسای محترم قوهی قضائیه در دورانهای مختلف هم تشکر میکنیم؛ هر کدام به نوبه‌ی خود فعالیتت‌ی کردند، کاری انجام دادند، زحمتی کشیدند برای این قوهی بسیار مهم.

خب، درباره‌ی اهمیّت قوهی قضائیه خیلی حرف زده شده، ما هم مطالبی را عرض کرده‌ایم؛ دیگران هم همه درباره‌ی اهمیّت قوه سخن گفته‌اند؛ امر معلومی است. محور این اهمیّت هم عدل است که در قرآن کریم [آمده]: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (۲) عدالت، اساس کار حیات طیبه‌ی انسانی است. شما برای تعجیل فرج امام زمان ( ارواحنا فداه ) هم که دعا میکنید، میگویید ایشان بیایند که عدالت را برقرار کنند؛ این است دیگر. «يَمْلَأُ اللَّهُ بِه الارضَ عدلاً وَ قِسْطاً بعداً ما ملئت ظلماً وَ جوراً»؛ (۳) با اینکه آن بزرگوار دین را هم، تقوا را هم، اخلاق را هم به جامعه تزریق خواهد کرد اما شما نمیگویید: «یملأ الله به الارض دیناً»؛ [بلکه] میگویید: «عدلاً»؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که عدل، نیاز اصلی حیات طیبه‌ی انسانی است. شما هم دادگستری هستید، عدلیّه هستید، مأموریت اصلی شما اقامه‌ی عدل است. اهمیّت قوهی قضائیه از اینجا است. البته حالا در قانون اساسی نکات دیگری هم هست که عرض خواهیم کرد.

قوهی قضائیه در جمهوری اسلامی یک بنای جدید بود - مثل یک نهال - و با قوهی قضائیه‌ی قبل از انقلاب تفاوت‌های اساسی داشت. خب این نهال باید روزبه‌روز رشد کند. هر دوره‌ای باید نسبت به دوره‌ی قبل یک پیشرفتی داشته باشد؛ حالا هم یک دوره‌ی جدیدی شروع شده است و بایستی یک فضلی، یک امتیازی، یک آورده‌ای علاوه‌ی بر آنچه دیگران، گذشتگان انجام داده‌اند به قوهی قضائیه اهدا کند؛ این آورده چیست؟ تحوّل، تحوّل در قوهی قضائیه؛ معنای تحوّل چیست؟ معنای تحوّل این است که شما یک اصول معین و مشخصی بر اساس اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی دارید که بایستی اینها را رعایت کنید؛ پایبند به اینها و در چارچوب اینها باید حرکت کنید که اینها مأموریت‌های اساسی قوهی قضائیه است؛ اینها که تغییر نمیکند؛ اینها همان است که از اوّل بود، حالا هم هست، بعد از این هم خواهد بود؛ تحوّل این است که شما برای پرداختن به این اصول، انجام این مأموریت‌ها، رسیدن به این آرمانها، شیوه‌ها و روشهای ابتکاری و مؤثر و نو و دارای تأثیر فراوان را ابداع کنید، ایجاد کنید و از این شیوه‌ها استفاده کنید؛ این یک؛ عیوب و خلأها و نقصهایی را هم که در گذشته داشته است برطرف کنید؛ معنای تحوّل این است.



ما یک دستگاہی داریم با یک شیوه‌های عملیاتی، با یک برنامه‌های اجرائی و در کنارش با مقداری ایراد، نقص، کمبود؛ تحوّل که میخواهید ایجاد کنید بایستی آن شیوه‌ها بهینه بشود، تبدیل بشود به شیوه‌های مؤثرتر، کارآمدتر، روان‌تر و آن موانع، آن اشکالات، آن کمبودها برطرف بشود؛ این تحوّل است؛ این [کار] البته برنامه لازم دارد؛ تحوّل بدون برنامه که امکان ندارد؛ روزمره که نمیشود حرکت کرد؛ باید دستگاہ عاقله و مفکره بنشیند یک طراحی کلان برای این تغییر عمده در ذهن خودش تصویر کند و روی کاغذ بیاورد و تصمیم بگیرد. این کار بحمدالله انجام گرفته؛ این بخش کار را رئیس محترم جدید قوه قضائیه، جناب آقای رئیسی قبل از آنکه این مسئولیت را به عهده بگیرند، از ایشان خواسته شد، ایشان هم یک برنامه‌ی تحوّل جامع و مورد قبولی را تهیه کردند؛ پس این کار شده، این قسمت کار انجام گرفته؛ این خیلی خوب است لکن برنامه عبارت است از ذهنیات؛ اگر بخواهیم تحقق خارجی به وجود بیاید، کار لازم دارد. پس توصیه‌ی اول بنده به رئیس محترم و مسئولان محترم و اجزای قوه قضائیه این است که همین برنامه‌ی خوبی که شما خودتان تدوین کرده‌اید و تهیه کرده‌اید و ارائه کرده‌اید، این برنامه را بر طبق زمان‌بندی، بدون اغماض پیش ببرید؛ نگذارید لنگ بشود. از چیزی واهمه نکنید، بروید جلو، به خدای متعال توکل کنید، اقدام کنید، این برنامه را عملیاتی کنید. کاری کنید که بعد از گذشت یک مدت قابل قبولی - البته این برنامه‌های کوتاه مدت و چندماهه و مانند اینها خب کارهای عملیاتی به آن معنا نیست - کاملاً احساس بشود که قوه قضائیه دچار تحوّل شد، دارد متحوّل میشود؛ این با حرکت شما انجام میگیرد. البته آن برنامه [کوتاه مدت هم] مهم است؛ تهیه‌ی برنامه.

بنده یک وقتی این جوری میفهمیدم که تهیه‌ی برنامه، پنجاه درصد کار است لکن این پنجاه درصد تا به آن پنجاه درصد بعدی منضم (۴) نشود، مثل این است که انجام نگرفته، مثل این است که شما از ته یک چاهی میخواهید آب بیاورید بالا که مثلاً فرض کنید که صد متر طولش است؛ تا پنجاه متری آورده‌اید، بعد همان جا مانده باشد؛ مثل این است که نیاورده‌اید دیگر؛ تفاوتی نمیکند. اگر بخواهید آن محصول به دست شما برسد، این پنجاه درصد بعدی را که تحرک و فعالیت و اقدام و بقیه‌ی شرایطی که وجود دارد است، اینها را باید به کار بزنید تا ان شاءالله محصول حاصل بشود و من امیدوارم. بنده با نگاهی که به دادگستری کشور و قوه قضائیه‌ی کشور میکنم، امیدوارم که ان شاءالله شما خواهید توانست این کار را انجام بدهید. این را هم به شما عرض بکنم، این کار را هم از همین اول کار شروع کنید؛ این جور نباشد که ما حالا بگوییم: «حالا که وقت داریم، یک مدتی حالا مجال [داریم]، حالا وقت داریم؛ حالا ان شاءالله انجام میدهم»؛ بعد آن اواسط کار یا اواخر کار مدام بگوییم: «باید این کار را بکنیم، باید آن کار را بکنیم»؛ این فایده ندارد. از همین روز اول باید شروع کنید؛ هیچ تأخیری را برای خودتان مجاز ندانید؛ این یک مسئله.

من چند نکته را یادداشت کرده‌ام راجع به قوه قضائیه؛ البته مطالبی که آقای رئیسی فرمودند، مطالب بسیار خوبی بود؛ حرفهای ما هم همینها است که ایشان بیان کردند. چند نکته‌ای را عرض میکنیم.

یک نکته این است که شما به قانون اساسی مراجعه کنید و وظایف قوه را در «قانون» ببینید. وظیفه‌ی قوه فقط قضاوت کردن و محکمه‌داری نیست؛ وظیفه‌ی قوه فراتر از اینها است. در قانون اساسی احیای حقوق عامه جزو وظایف قوه قضائیه است؛ احیای حقوق عامه، خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد؛ از مسئله‌ی اقتصاد تا مسئله‌ی امنیت تا عرصه‌ی بین‌المللی، جایگاه حقوق عامه است. دفاع از حق مردم در عرصه‌ی بین‌الملل چیز خیلی مهمی است؛ این



جزو وظایف شما است؛ یا فرض بفرمایید گسترش عدل و آزادی که خب این گسترش عدل در کنار گسترش آزادی است؛ [منظور از] آزادی هم البته در قانون اساسی، آزادی‌های مشروع است؛ معلوم است. گسترش آزادی هم جزو وظایف شما است. چه جوری این را انجام می‌دهید؟ با چه شیوه‌ای؟ عرض کردم این شیوه‌هایی که باید انتخاب کنید، شیوه‌های نو و ابتکاری [باشد]؛ به اینها همه نظر هست.

یا پیشگیری از وقوع جرم؛ مسئله‌ی پیشگیری خیلی مهم است. خب بله یک بخشی از قوه‌ی قضائیه را معین میکنیم برای پیشگیری، خوب است، لازم است، لکن پیشگیری یک کار بسیار وسیعی است؛ باید جرم را بشناسید، علل جرم را بشناسید، عواملی که جرم را ایجاد میکنند بشناسید، کارهایی را که میتواند از وقوع جرم جلوگیری کند بشناسید؛ یک فصل عظیمی از کار در اینجا وجود دارد. هر کدام از این کارها هم یک کننده‌ی کار لازم دارد؛ نمیشود همین جوری مثلاً بگوییم یک کمیته‌ای، فرض کنید به قول ما یک هیئتی گذاشته‌ایم برای این کار؛ نه، اینها باید دانه‌دانه دنبال بشود.

یا حسن اجرای قانون؛ قانون را چه کسی نقض میکند؟ قانون که فقط مقررات راهنمایی یا فرض کنید فلان قانونی که فلان آدم لایبالی نقض میکند که نیست؛ قانون گاهی به شکل کلان نقض میشود؛ اینجا قوه‌ی قضائیه باید سینه سپر کند. غرض، هر چه انسان به قوه‌ی قضائیه نگاه میکند، عظمت این قوه و گستره‌ی پهناور این قوه را بیشتر مشاهده میکند؛ این دست شما است، این متعلق به شما است؛ شما شانه‌ی خودتان را زیر این بار سنگین داده‌اید. اگر ان شاء الله بتوانید کاری انجام بدهید و موفق بشوید، خیلی کار بزرگی است، خیلی خدا را راضی میکنید؛ یعنی اگر شما کارتان را ان شاء الله خوب انجام بدهید، از آن صدقات و انفاقات بی‌نظیر است.

یک نکته‌ی دیگر - که جناب آقای رئیسی هم به آن اشاره کردند - مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد است. مبارزه‌ی با فساد، هم در درون قوه محلّ کلام است، هم بیرون قوه؛ لکن اولویت با درون قوه است. خب، هزاران قاضی شریف و پاک‌دامن و کارمندان امین در سراسر قوه دارند کار میکنند، تلاش میکنند؛ یک عنصر ناباب در یک دادگستری‌ای در یک شهری پیدا میشود، یک حرکتی انجام میدهد، این روانهای (۵) پاکیزه‌ی شریف را بدنام میکند؛ این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ شاید آن تعداد آدم نابابی که در مجموع قوه‌ی قضائیه هستند، یک درصد خیلی کمی نسبت به آدمهایی است که یا در اوج شرافتند - ما داریم قضاتی که با زندگی‌های سختی زندگی میکنند، پرونده‌های سنگین مهمی هم دستشان هست، [اما] یک ذره هم تخطی نمیکنند؛ اگر اهل خطا بودند ممکن بود زندگی‌های خیلی بهتری داشته باشند، ابدأ [تخطی نمیکنند] - یا قضات معمولی‌ای [هستند] که دارند کار خودشان را با امانت، با صداقت انجام میدهند؛ نسبت آن افراد فاسد و افراد ناباب در مقابل این افراد، خیلی نسبت کمی است اما یک نسبت کم، یک درصد کوچک هم تأثیرات مخرب میگذارد؛ که حالا من در تصویرسازی از قوه‌ی قضائیه، بعداً این را باز عرض خواهم کرد. نسبت به فساد درون قوه‌ی قضائیه سخت‌گیری کنید. علتش هم این است که این [قوه]، مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او نابخشودنی است. هر چه رتبه‌ی شأنی و حقوقی انسان بالاتر رفت، به همان اندازه اهمیّت کار او بیشتر میشود؛ هم در جنبه‌ی مثبت، هم در جنبه‌ی منفی. شما ملاحظه کنید خداوند متعال به زنده‌ی پیغمبر خطاب میکند در قرآن که «يُنْسَأُ النَّبِيَّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ يُضَعَفُ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ» (۶) - هر کدام از شماها کار خلافی نکنید، عذابتان دوبرابر است؛ یعنی همان کاری را که یک زن دیگر اگر بکند پیش خدای متعال صد چوب خوردن دارد، اگر شما انجام بدهید، دویست چوب به شما میزنند؛ چرا؟ چون زن پیغمبرید - «وَمَنْ يَفْعَلْ مِنْكُمْ لَلَّهِ وَرَسُولِهِ» (۷) آن وقت جزای او و پاداش او هم دو برابر است؛ کار خوب



هم که بکنید، پاداشتان دو برابر است. این به خاطر اهمّیت جایگاه انسان است.

بنده خیلی اوقات دلم به حال حضرت یونس (سلام الله علیه) میسوزد. مگر چه کار کرده بود [که گفت]: *سُبْحٰنَكَ اَيُّ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ*? (۸) [آن هم] با آن مجازات سختی که خدای متعال به حضرت یونس داد. خب ایشان هر چه قومش را دعوت کرد، هر چه کرد، گوش نکردند، این هم با آنها قهر کرد، گذاشت رفت بیرون [شهر]؛ کارش همین بود دیگر. حالا اگر چنانچه یک عالمی مثلاً فرض کنید در یک شهری نصیحت کند، مردم گوش نکنند حرفش را و بگویند پس من نیمیمانم در این شهر و پا شود برود بیرون، خب کار بدی است اما [آیا] مجازاتش این است که برود در دریا و در دل نهنگ و خدای متعال بگوید اگر او تسبیح نمیگرد، «لَلّٰیثِ فِی بَطْنِهٖ اِلٰی یَوْمِ یُبْعَثُوْنَ»؟ [۹] بنا بوده تا قیامت در شکم ماهی بماند! جزائش این است؟ اما [با این حال] یونس را خدای متعال این جوری مجازات میکند؛ چرا؟ چون پیغمبر است؛ میگوید شما پیغمبری؛ *فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَیْهِ* - خیال کرد ما بر او سخت نمیگیریم؛ «نَقْدِرُ» یعنی سخت گرفتن - *فَنَادٰی فِی الظُّلْمٰتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اَيُّ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِيْنَ*؛ (۱۰) خودش را ظالم دانست، اعتراف کرد، *فَاَسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ*. (۱۱) این جوری است، شما با آدم معمولی فرق میکنید؛ اگر آدم معمولی یک حرکتی انجام بدهد که دارای نکوهش است، شما اگر آن عمل را انجام دادید، نکوهش شما یا دو برابر او است یا چند برابر او است، تفاوت میکند. با این چشم به مفاصد درون قوه نگاه کنید.

البته نسبت به قوه، تعرض و تهمت و بدگویی و مانند اینها هم زیاد است، این را هم ما میدانیم؛ یعنی واقعاً خیلی بیش از آنچه واقعیّت دارد، علیه قوه حرف میزنند، مینویسند. حالا که دیگر فضای مجازی هم هست؛ یک دستگاه بی در و دروازه که هر کس هر چه دلش میخواید مینویسد. اینها اهمّیتی ندارد، اینها شما را از کار باز ندارد. از امیرالمؤمنین کسی عادلتر در دنیا، در تاریخ بشر شما سراغ دارید؟ همین امیرالمؤمنین مظهر عدالت را، به بی‌عدالتی متهم کردند؛ خب میگویند دیگر؛ علیه همه میگویند؛ علیه پیغمبر، پیغمبران، علیه امیرالمؤمنین، علیه خدا، علیه شما هم میگویند؛ بگویند؛ این مانع از این نشود که شما کارتان را انجام بدهید.

یک نکته‌ی دیگر که خیلی مهم است، مسئله‌ی تصویرسازی از قوه‌ی قضائیه است. ممکن است شما خیلی هم خوب و شریف باشید اما یک حادثه‌ای یا حوادثی پیش بیاید که در چشم مردم، آن شرافت، آن امانت، آن صداقت منعکس نشود، عکس آن منعکس بشود؛ این خیلی چیز بدی است. آنچه در چشم مردم باید منعکس بشود این است که قوه‌ی قضائیه، دارای این خصوصیات است:

اولاً دارای حکمت است، هم در انتصاباتش، هم در احکامش، هم در رفتارش، هم در گفتارش؛ نشان بدهد که دارای حکمت است؛ بخصوص مسئولان بالای قوه‌ی قضائیه در این [موضوع] میتوانند نقش ایفا کنند.

نشان بدهد که دارای علم به مبادی قضا است، این باید نشان داده بشود، معلوم بشود که یک دستگاه عالم است، از روی علم کار میکند، کار کارشناسی علمی انجام میدهد. علم هم یا قانون است یا فقه است؛ در دستگاه قضا، مبادی قضا عبارت است از فقه و قانون.

قوه‌ای است دارای گوش شنوا برای شنیدن. حوصله‌ی شنیدن باید داشته باشید، هم در دادسرا به وسیله‌ی بازپرس، هم در مواجهه‌ی با دادستان، هم در نهایت در دادگاه در مواجهه‌ی با دادرس و قاضی. بایستی گوش شنوا وجود



داشته باشد. بشنوید! هم از آن کسی که شاکی است و آمده شکایت میکند گوش بدهید ببینید واقعاً چه میگوید، هم از آن کسی که متهم است و از خودش دفاع میکند، کاملاً گوش کنید ببینید چه میگوید؛ این باید شنیده بشود؛ ممکن است حرف او را قبول هم نکنید اما گوش کنید.

یکی هم اقتدار و قاطعیّت است. باید دارای حکمت باشید، دارای علم باشید، دارای حالت و حسّ شنیداری باشید و دارای اقتدار. باید بفهمند قوهی قضائیهی دارای اقتدار است، آنچه را تشخیص میدهد، به آن قاطعاً عمل میکند. این ماندن پرونده‌ها که بنده بارها در همین جلسهی دیدار با قوهی قضائیهی این را تکرار کرده‌ام، لگد به این حالت است. وقتی پرونده یک سال، دو سال، پنج سال، ده سال میماند، معنایش این است که دستگاه قضائی در این مسئله دچار «چه کنم - چه کنم» است، نمیداند چه کار باید بکند؛ این نمیشود؛ به هر نتیجه‌ای که رسیدند، قاطع آن نتیجه را عمل بکنند.

خب حالا چه کار کنیم که این تصویر در ذهن مردم از قوه به وجود بیاید؟ این دیگر در رفتار شما، در گفتار شما، در عملکرد شما، در تبلیغات درستی که انجام میدهید باید انجام بگیرد؛ البته دستگاه‌های گوناگون، صدا و سیما و دیگران هم باید کمک کنند. دستگاه قضائی متعلق به انقلاب است، متعلق به مردم است، متعلق به کشور است؛ همه‌ی دستگاه‌ها بایست به این معنا کمک کنند؛ این جور نباشد که یک چیز کوچک را مثلاً فرض کنید در تلویزیون یا در فلان مطبوعه - مثل فضای مجازی که بی‌مبالات هر چه دلشان میخواهد میگویند - آنها هم همین جور بگویند، یک چیز کوچکی را، یک چیز نامعلوم یا بی‌سند را منتشر بکنند که تضعیف قوهی قضائیه باشد؛ نباید [این جور باشد]. این تصویرسازی به عهده‌ی همه است، هم به عهده‌ی خود شما است، هم به عهده‌ی دیگران است. خب این هم یک نکته.

یک نکته‌ی دیگر در مورد انتصابات است؛ ببینید، امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) در این فرمان معروف به مالک اشتر - که بلندترین نوشته‌ی ایشان است و یک بخشی مربوط به قوهی قضائیه دارد و به غلط به آن میگویند عهدنامه، عهدنامه نیست؛ «عهد» است؛ عهد یعنی فرمان - این جوری میفرماید اول که «ثُمَّ اخْتَر لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ»؛ (۱۲) برای قضاوت، برترین مردم را انتخاب بکن؛ «برترین»، این خیلی چیز مهمی است. بعد آن وقت حضرت این خصوصیات را که باید این شخص برتر داشته باشد، ذکر میکنند؛ ده دوازده خصوصیت است، مراجعه کنید؛ من خواهش میکنم که حتماً همه - بخصوص مدیران قوهی قضائیه و آن کسانی که دستشان در انتصابات هست و مانند اینها - مراجعه کنند نگاه کنند. خصوصیات را حضرت ذکر میکنند که درست منطبق با همان نیازهایی است که انسان احساس میکند حضرت همه‌ی اینها را احصا (۱۳) فرموده است و بیان کرده‌اند که [قاضی باید] دارای این خصوصیات باشد. (۱۴) پس انتصابات خیلی مهم است، گزینش‌های شغلی خیلی مهم است؛ هم انتصابات، هم گزینش‌ها. میخواهید قاضی گزینش کنید، میخواهید برای یک کارهایی گزینش بکنید، اینها را حتماً نگاه کنید و به این مراجعه کنید؛ من خواهش میکنم به این قسمت از نامه‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، [یعنی] فرمان حضرت به مالک اشتر مراجعه بشود.

یک نکته‌ی دیگر هم که نکته‌ی آخر است این است که [وظیفه‌ی] قوهی قضائیه قانون است و حقوق است و بریدن و حد معین کردن است؛ لکن لایه‌لای این چرخ و پیر مهم پولادین قوهی قضائیه، بایستی وسیله‌ی تلطیف هم وجود داشته باشد. یک چیزهایی وجود دارد که اینها تلطیف میکند؛ هم خود قوهی قضائیه را، هم محصول کار قوهی



قضائیه را ؛ در خود قوه‌ی قضائیه با رعایت اخلاق [است]. بخصوص [پرهیز از] بداخلاقی با مراجعین ؛ حالا با زبردست‌ها هم همین جور است اما بیشتر از زبردست‌ها، مراجعین [هستند]. خوش اخلاقی ؛ حتماً موظف کنید خودتان را که با اخلاق [با آنها] برخورد کنید. بازپرس در مقام بازپرسی، دادستان در مقام مجادله‌ی با متهم یا وکیل متهم در دادگاه، [وقتی] استدلال میکند، استدلال کند اما این استدلال با اخلاق باشد. بعضی از این کارهایی که غربی‌ها میکنند و فیلم‌هایش را هم منتشر میکنند که مثلاً فرض کنید دادستان فلان لحن را به کار برد، فلان [بی احترامی را] کرد، اولاً خیلی از اینها دروغ است، ثانیاً اصلاً کار غربی‌ها را هیچ ملاک عمل قرار ندهید ؛ نگاه کنید ببینید اسلام چه میگوید، دستورات اسلامی چیست. با اخلاق برخورد کنید ؛ بعد هم گاهی اوقات خود قاضی با متهم بگومگو میکند، حرف میزند، یک چیزی میپرسد، یک چیزی جواب میدهد، [اینها] با اخلاق، با نرمش، با حوصله و صبر [باشد] ؛ این مثلاً در برخورد درونی.

در عملکردها، در آنجایی که تخاصم وجود دارد، توصیه‌ی به عفو و گذشت و بخشش و مانند اینها [باشد]. در اسلام هم در مسائل خانوادگی فرمودند: وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ ؛ ( ۱۵ ) صلح بدهند، آشتی بدهند. همین مسئله‌ی احیای حکمیت که مربوط به خانواده است یا این شوراها حل اختلاف -البته به شکل صحیح- اینها همان دخالت دادن اخلاق در مسائل قوه‌ی قضائیه و چرخ و پر قوه‌ی قضائیه است. خب، حالا اینکه مربوط به مسائل قوه‌ی قضائیه [بود].

راجع به مسائل جاری سیاسی روز هم بحمدالله ملت ایران به معنای واقعی کلمه یک عزت و عظمت و اقتداری را از خود نشان داده ؛ نه حالا برای این قضایای اخیر -خب این هم یک نمونه‌ای است- [بلکه] در طول این چهل سال، واقعاً نشان داده. اینکه می‌بینید در خبرگزاری‌های خارجی از زبان سیاستمدارها و دیپلمات‌ها و مانند اینها این روزها زیاد تکرار میشود که ایران را با فشار و تحریم و تهدید و مانند اینها نمیشود به زانو درآورد، این ناشی از قضایای یک ماه و دو ماه و شش ماه اخیر که نیست، [بلکه] ناشی از چهل سال حرکت ملت ایران است. ملت ایران از لاک توسری خوری و ذلتی که به او تحمیل شده بود، خودش را با انقلاب خلاص کرد ؛ این لاک را شکست، آمد بیرون. هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی در او بروز کرده، طالب عزت است، طالب استقلال است، طالب پیشرفت است، لذاست که هر چه دشمنان ظالم فشار می‌آورند تأثیری در او نمیگذارد. شما نگاه کنید این راه‌پیمایی‌ها را، شما نگاه کنید این روز قدس را، این بیست و دوم بهمن را ؛ چهل سال است، شوخی است؟ شما نگاه کنید این انتخابات‌ها را ؛ این همه کارشکنی برای انتخابات‌های کشور کردند، [اما] مردم با عزم و اراده‌ی واقعاً تحسین‌برانگیز در میدانهای انتخابات حاضر میشوند. حالا آخر امسال هم یک انتخاباتی هست ؛ باز هم با وجود بعضی از تردیدآفرینی‌هایی که بعضی از افراد میکنند، من میدانم که مردم با شور و شوق در این انتخابات شرکت خواهند کرد ؛ اینها عظمت ملت ایران را نشان میدهد. حالا این ملت بزرگ را، این ملت شجاع را، این ملت آبرومند را متهم میکند ؛ چه کسی؟ شریرتین حکومت‌های دنیا، یعنی حکومت آمریکا ؛ ( ۱۶ ) شریرتین دولت‌ها و حکومت‌های دنیا، عامل جنگ، عامل خونریزی، عامل تفرقه، عامل چاپیدن و غارت کردن ملت‌ها در طول تاریخ طولانی نه حالا در ظرف ده سال و بیست سال، منفورترین چهره‌های چین دولتی، ملت ایران را متهم میکنند ؛ هر روز که میگذرد یک دشنامی، یک اهانتی به ملت ایران میکنند. ملت ایران از این اهانت‌ها جا نمیخورد ؛ ملت ایران با این توهین‌ها و ناسزاها عقب‌نشینی نمیکند. ملت ایران مورد ظلم قرار گرفته -همین تحریم‌های ظالمانه، ظلم بارزی است به ملت ایران- ملت ایران مظلوم واقع شده لکن ضعیف نیست ؛ ملت ایران مقتدر است. به فضل الهی، به حول و قوه‌ی الهی همه‌ی مقاصدی که ملت ایران برای خودش ترسیم کرده، با قوت و اقتدار، خودش را به آن مقاصد خواهد رساند.



ما مورد ظلم هستیم، مظلومیم، اما ضعیف نیستیم؛ ما مقتدریم. بخش اصلی و مهم قوت ملت ایران به خاطر اعتقاد به حمایت الهی است؛ قال لا تخافا «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأُرِي»؛ (۱۷) خدای متعال با ما است، دارد کمک میکند؛ نشانه‌اش هم همین چهل سالی است که این همه علیه ما توطئه کرده‌اند، این همه فشار آورده‌اند، جنگ راه انداخته‌اند، فتنه راه انداخته‌اند، نفوذ درست کرده‌اند، عوامل تروریستی را به جان مردم انداخته‌اند، هزار کار زشت و خیانت‌آمیز با این ملت انجام داده‌اند، این ملت مثل کوه ایستاد و روزبه‌روز هم استوارتر شد؛ امروز هم از ده سال پیش، بیست سال پیش قوی‌تر، قدرتمندتر و استوارتر است. حالا وقتی که نتوانستند مقاصد خودشان را از راه فشارها و مانند اینها به دست بیاورند، به خیال اینکه ملت ایران، ملت ساده‌ای هستند و گول خورند، آمده‌اند که «بیا بیا با ما مذاکره کنید؛ شما قابل پیشرفتید!» بله، ملت ایران حتماً پیشرفت میکند اما بدون شما؛ شما اگر بیا بیا پیشرفت نیست. شما و انگلیس و دیگران، پنجاه سال در دوران پهلوی - و بخصوص آمریکا حدود سی سال در دوران پهلوی دوّم - همه‌کاری این مملکت بودید، این مملکت روزبه‌روز عقب رفت؛ شماها عامل پیشرفت نمیتوانید بشوید؛ شماها عامل عقب‌ماندگی ملت ایرانید. ملت ایران پیشرفت میکند به شرطی که شماها نزدیک نیابید.

میگویند بیا بیا مذاکره؛ مذاکره یک فریب است؛ مذاکره بر سر چه؟ بر سر آنچه او میخواهد؛ یعنی اسلحه در دست شما است، جرئت نمیکند بیا بیا جلو، میگوید آقا آن اسلحه را بده به من، آن اسلحه را ببنداز تا من بتوانم هر کاری که میخواهم با تو بکنم، تا من بتوانم هر بلایی میخواهم سر تو بیاورم؛ مذاکره این است. اگر چنانچه در این مذاکره‌ای که انجام میگیرد شما حرف او را قبول کردی، پدرت درآمد؛ اگر حرف او را قبول نکردی باز همین آش است و همین کاسه: دعوا و سر و صدا و تبلیغات و «آقا اینها زیر بار نمیروند» و حقوق بشر آمریکایی و از این مزخرفات. میزنند قریب سیصد نفر را روی آسمان از بین میبرند، ادعای حقوق بشر هم میکنند؛ به کمک سعودی میروند، مردم را در یمن آن جور در بازار و در مسجد و در مجلس عزا و در مجلس شادی و در بیمارستان و مانند اینها بمباران میکنند، ادعای حقوق بشر [هم] میکنند؛ اینها این [جور] هستند.

نخیر، ملت ایران راه خودش را پیدا کرده است؛ راه ما را انقلاب ترسیم کرده، امام بزرگوار ترسیم کرده؛ اهداف ما مشخص است. در این ده‌ها سال، بارها و بارها این اهداف تکرار شده و اهداف باارزش و جذابی است؛ رسیدن به رفاه مادی، رسیدن به عزت اجتماعی، رسیدن به عقلانیت بالا، رسیدن به دانش برجسته و ممتاز و رسیدن به آرامش اجتماعی و امنیت اجتماعی؛ اینها اهداف ما است که اسلام اینها را برای هر ملتی قرار داده؛ برای ما هم این اهداف را اسلام ترسیم کرده و دنبال این، حرکت کرده‌ایم و به کوری چشم دشمن به همه‌ی آنها هم خواهیم رسید. خداوند ان شاء الله شماها را و ما را موفق بدارد تا بتوانیم وظایفی را که برعهده‌مان هست به بهترین وجهی ان شاء الله انجام بدهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار - که به مناسبت هفته‌ی قوه‌ی قضائیه برگزار شد - حجّت الاسلام والمسلمین سیّد ابراهیم رئیسی (رئیس قوه‌ی قضائیه) گزارشی ارائه کرد.

(۲) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۵۸؛ «... و چون میان مردم داوری میکنید، به عدالت داوری کنید.»

(۳) بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۱۶

(۴) ضمیمه شده



- (۵) جانها، روحها
- (۶) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۰
- (۷) سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۱؛ «و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد...»
- (۸) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷؛ «منرّه‌ی تو، راستی که من از ستمکاران بودم»
- (۹) سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۴۴
- (۱۰) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۷؛ «... تا در [دل] تاریکی‌ها ندا در داد که: "معبودی جز تو نیست، منرّه‌ی تو، راستی که من از ستمکاران بودم."»
- (۱۱) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۸۸؛ «پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم...»
- (۱۲) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳
- (۱۳) شمردن، جمع‌آوری
- (۱۴) این خصوصیات عبارتند از: توانایی در امر قضاوت، مرعوب طرفهای دعوا نشدن، اصرار نداشتن بر لغزشهای خود، پرهیز از طمع‌کاری، اکتفا نکردن به برداشتهای سطحی، احتیاط در مواجهه با شبهات، اتکاء به ادله، خسته نشدن از مراجعات طرفهای دعوا، بردباری در کشف حقیقت، صدور آرای قاطع هنگام آشکار شدن حقیقت، از تعریف و تمجیدها دچار فریب نشدن، از تشویق دیگران به یکی از طرفهای دعوا متمایل نشدن.
- (۱۵) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸
- (۱۶) معظم‌له در پاسخ به شعار «مرگ بر آمریکا» ی حضار فرمودند: «آن بنده خدا گفته بود ملت ایران دیگر "مرگ بر آمریکا" نمیگویند» که با خنده و شعار مجدد حاضران همراه شد.
- (۱۷) سوره‌ی طه، آیه‌ی ۴۶؛ «فرمود: مترسید، من همراه شما هستم، می‌شنوم و میبینم»